



## تحلیل ترجمه عربی شعر «باز باران» گلچین گیلانی توسط محمد نورالدین عبدالمنعم

بر اساس نظریه هنجارهای گیدئون توری

د. سببان کاوسی<sup>(\*)</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۶

### چکیده

ترجمه شعر، به دلیل پیچیدگی‌های معنایی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی، یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های ترجمه به شمار می‌رود. انتقال لایه‌های معنایی و زیبایی‌های زبان اصلی به زبان مقصد، همواره با خطر از دست دادن اصالت و عمق مفاهیم همراه است. اشعار گلچین گیلانی، با درون‌مایه‌های احساسی و فرهنگی خاص، از جمله متونی است که در ترجمه به زبان عربی نیازمند دقت و توجه ویژه‌ای است. بررسی چگونگی انطباق این ترجمه‌ها با هنجارهای ترجمه‌شناسی می‌تواند به درک بهتری از میزان موفقیت آن‌ها در حفظ و انتقال این عناصر کمک کند. این پژوهش با رویکردی علمی و نقادانه، ترجمه عربی گزیده‌ای از اشعار گلچین گیلانی توسط محمد نورالدین عبدالمنعم را از منظر نظریه هنجارهای

(\*) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران [sobhan.kavosi@yahoo.com](mailto:sobhan.kavosi@yahoo.com)

گیدئون توری بررسی می‌کند تا مشخص شود که آیا این ترجمه توانسته است تعادل میان پذیرش در فرهنگ مقصد و حفظ کفایت و وفاداری به متن اصلی را برقرار کند یا خیر. ترجمه‌ها در دو سطح اصلی نظریه توری، یعنی هنجارهای اولیه (پذیرش در فرهنگ مقصد) و هنجارهای ثانویه (کفایت در برابر متن مبدأ) تحلیل شده‌اند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل نمونه‌هایی از اشعار گلچین گیلانی و ترجمه‌های آن‌ها توسط عبدالمنعم است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که ترجمه‌های عبدالمنعم در سطح هنجارهای اولیه، توانسته‌اند به خوبی با فرهنگ مقصد هماهنگ شوند، اما در سطح هنجارهای ثانویه، به ویژه در بازتاب دقیق مفاهیم و سبک شعری گلچین گیلانی، کاستی‌هایی مشاهده می‌شود. این پژوهش تأکید می‌کند که رعایت هنجارهای توری در ترجمه اشعار می‌تواند به بهبود کیفیت ترجمه‌ها و افزایش هم‌خوانی با متن مبدأ کمک کند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه شعر، گلچین گیلانی، محمد نورالدین عبدالمنعم، نظریه هنجارهای توری، نقد ترجمه.

## ۱. مقدمه

در جهان امروز، ترجمه به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در انتقال مفاهیم و فرهنگ‌ها از یک زبان به زبان دیگر، نقش مؤثری ایفا می‌کند. اهمیت ترجمه در دنیای معاصر، با نیاز به دستاوردهای علمی پیشرفته، تسهیل ارتباطات بین‌المللی، و انتقال اخبار و اندیشه‌ها میان ملل مختلف، بیش از پیش برجسته شده است. شعر معاصر فارسی، از زمان آغاز ایران‌شناسی در جهان عرب در نیمه دوم قرن بیستم، به شدت مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از اشعار شاعران معاصر فارسی به زبان عربی ترجمه شده‌اند. در خصوص مهم‌ترین شاعران معاصر ایران که آثارشان به عربی ترجمه شده است، می‌توان گفت که امروزه برخی از این شاعران در میان عرب‌زبانان جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. بررسی ترجمه‌ی شعر معاصر فارسی در جهان

عرب نشان می‌دهد که ترجمه یکی از کانال‌های مهم ارتباط فرهنگی بین ملت‌ها است. دو زبان فارسی و عربی، که اشتراکات فرهنگی و تاریخی فراوانی دارند، از دیرباز تأثیرات متقابلی بر فکر و فرهنگ یکدیگر داشته‌اند. اولین نشانه‌های معرفی ادبیات فارسی به جهان عرب در نیمه اول قرن بیستم ظاهر شد. در این زمان، ودیع بن فارس البستانی رباعیات خیام را از انگلیسی به عربی ترجمه کرد. سپس احمد رامی برای اولین بار این اثر را مستقیماً از فارسی به عربی برگرداند و در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی (۱۹۲۴ میلادی) منتشر کرد. هشت سال بعد، عبدالوهاب عزام، استاد دانشگاه مصر، شاهنامه فردوسی را که در قرن هفتم هجری به دست ابو الفتح البنداری ترجمه شده بود، تصحیح کرد و با مقدمه‌ای حدوداً صد صفحه‌ای تحت عنوان «الشاهنامه: ملحمة الفرس الکبری» منتشر کرد. از آن زمان، توجه جامعه ادبی مصر و جهان عرب به آثار ادبیات فارسی کهن جلب شد و این آثار مورد مطالعه و بررسی بیشتری قرار گرفتند. (ر.ک: کاظمی نجف آبادی، رحیمی خویگانی، ۵۱۳۹۶.ش، ص ۱۲۱ و جمال الدین، ۲۰۰۸م، ص ۱۳۱).

## ۱-۱. بیان مسأله

یکی از مهمترین مسائل مرتبط با ترجمه، تعریف نظریه ترجمه و تبیین نسبت آن با عمل ترجمه است. برخی از نظریات ترجمه، متن مبدأ را در اولویت قرار می‌دهد و به اصطلاح نویسنده محور است و برخی دیگر به متن مقصد توجه می‌کند مخاطب محور به شمار می‌رود اما در هر صورت می‌توان آنها را معیار نقد و ارزیابی ترجمه‌ها در نظر گرفت. در برخی موارد شعر به طور کامل قابل ترجمه می‌باشد ولی در برخی موارد باید به صورت کلمه به کلمه و جز به جز ترجمه و معنا انتقال یابد. گاهی اوقات ترجمه شعر به طور دقیق امکان‌پذیر نیست و به ناچار باید شعر مورد نظر در هنگام ترجمه بازسازی شود. البته بازسازی نباید ساختار و رنگ و بوی هنرمندانه و سبک شاعر را تغییر دهد. سبک و نوع شیوه بیان هر

شاعری با دیگری در خلق اشعار تفاوت دارد و منحصر به خود می باشد. مترجم شعر باید با آشنایی کامل سبک های نوشتاری شاعران مختلف و با حفظ امانت به انجام ترجمه بپردازد. در انجام ترجمه یک شعر باید آرایه ها، وزن ها و دیگر بخش های ضروری انجام شعر حفظ شود.

نزار قبانی شاعر معاصر عربی نیز معتقد است که ترجمه شعر از زبانی به زبان دیگر یک ماجراجویی سرشار از خطر است؛ چراکه هر زبانی راز و رمز و شخصیت و حساسیت ویژه خود را دارد برای این که ماجراجویی با موفقیت همراه باشد حتما کسی که دست به ترجمه می زند خود باید شاعر باشد (قبانی، ۵۱۳۸۰، ش، ص ۸). از جمله نظریه هایی که برای نقد و ارزیابی ترجمه ادبی ارائه شده نظریه هنجارهای توری از مطرح ترین آنهاست. نظریه گیدئون توری از رویکرد نظامهای چندگانه ایتمار اون زوهر<sup>(۱)</sup> و دیدگاه توصیفی جیمز هولمز نشأت می گیرد. نظام چندگانه از تلاش صورتگرایان فرمالیست های متأخر روسی به وجود آمد توری نخستین بار نظریه هنجارهای ترجمه را در سال ۱۹۸۰ میلادی در کتاب در جستجوی نظریه ترجمه مطرح و سپس در سال ۱۹۹۵ در کتاب مطالعات توصیفی ترجمه و فراتر از آن کامل ساخت. توری این نظریه را به مثابه اصلی برای ترجمه و فرآیند تحلیل در نظر گرفته است که در آن ترجمه به محصول انتقال فرهنگ قلمداد می شود. نظریه توری مخالف نظریه هایی است که بر اساس همانی انتزاعی یکپارچه و واحد یا تفسیر کامل کنش برابر بنا شده است. الگوی وی بر تفاوت مبتنی است و ساختاری زبانها با یکدیگر را مفروض و بیان می کند که هر نظام زبانی و یا سنت متنی تفاوت از نظر ساختار گنجینه هنجارهای کاربرد و غیره با بقیه متفاوت است (گنتزler، ۵۱۳۹۳، ش، ص ۶۳).

(1)- Itamar Even-Zohar

## ۲-۱. روش پژوهش

در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی و با تکیه بر نظریه هنجارهای ترجمه گیدئون توری، برگردان گزیده‌ای از اشعار گلچین گیلانی به عربی در کتاب «مختارات من الشعر الفارسی الحدیث» واکاوی می‌شود و تلاش می‌گردد با تحلیل تطبیقی این ترجمه، به سؤالات زیر درباره‌ی هنجارهای حاکم بر ترجمه و تأثیر آن‌ها بر بازنمایی اشعار پاسخ داده شود.

## ۳-۱. سؤالات پژوهش

- رویکرد ترجمه عبدالمنعم از اشعار گلچین گیلانی در چارچوب نظریه هنجارهای گیدئون توری چگونه قابل تحلیل است، و این رویکرد چه نشانه‌هایی از مقصدمحوری یا مبدامحوری را نشان می‌دهد؟
- هنجارهای توری در ترجمه عبدالمنعم از اشعار گلچین گیلانی چگونه در فرایند انتقال معانی و ساختار اشعار فارسی به عربی نقش داشته‌اند؟
- تطبیق مؤلفه‌های الگوی هنجارهای ترجمه گیدئون توری بر ترجمه عبدالمنعم از اشعار گلچین گیلانی چگونه می‌تواند تصمیمات ترجمه‌ای و تأثیرات آن بر مخاطب عرب‌زبان را توصیف کند؟

## ۴-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که به این حوزه پرداخته‌اند می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. کاربست نظریه هنجارهای گیدئون توری در ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار فریدون مشیری، افضل‌ی، علی و مدنی، اکرم، مجله: مطالعات تطبیقی فارسی و عربی است که در این جستار بخشهایی از ترجمه اشعار فریدون مشیری در کتاب مختارات من الشعر الفارسی الحدیث از محمد نورالدین عبدالمنعم، که برگردان گزیده‌ای از اشعار معاصر فارسی به عربی است از

- دید مطالعات توصیفی فرایند- مدار ترجمه و با تکیه بر نظریه هنجارهای گیدئون توری بررسی می‌شود
۲. نقد و بررسی ترجمه عربی شعر سهراب سپهری با تکیه بر نظریه هنجارهای گیدئون توری، افضل، علی و مدنی، اکرم؛ مجله:الجمعیه الايرانیه للغه العربیه و آدابها، که در این جستار بخش‌هایی از ترجمه اشعار سهراب سپهری در کتاب مختارات من الشعر الفارسی الحدیث از محمد نورالدین عبدالمنعم، با تکیه بر نظریه هنجارهای گیدئون توری بررسی و از منظر مطالعات توصیفی فرایند- مدار ترجمه واکاوی می‌شود.
۳. نقد ترجمه منظوم شواربی از غزل اول و سوم حافظ بر پایه الگوی گیدئون توری، عباس زاده، فاضل؛ مجله:نقد، تحلیل و زیبایی شناسی متون، که پژوهش حاضر، به بررسی ترجمه منظوم «امین الشورابی» از غزل اول (الا یا ایها الساقی...) و سوم (اگر آن ترک شیرازی...) حافظ، در پرتو دیدگاه مقصدگرایانه گیدئون توری می‌پردازد.
۴. خوانشی معناشناختی از استعاره‌های مفهومی در اشعار خلیل مطران و گلچین گیلانی، صادقی و همکاران، مجله: کاوش نامه ادبیات تطبیقی»، این پژوهش به بررسی استعاره‌های مفهومی (جهتی، ساختاری و هستی شناختی) در اشعار خلیل مطران و گلچین گیلانی پرداخته تا ضمن بررسی میزان استفاده دو شاعر از این الگو، جهت‌گیری و سمت سوی دو شاعر را در استفاده از این تصاویر بشناسد.
۵. گهرهای فراوان بر بام شعرگلچین بررسی و تحلیل عواطف و درون مایه های شعر گلچین گیلانی، حسن آبادی، محمود؛ سجادی، زهرا؛ مجله:پژوهشنامه ادب غنایی که در این جستار ابتدا مختصری از زندگی گلچین گیلانی آمده؛ آنگاه همراه با شاهد مثالهایی، به روشی توصیفی به عواطف و درونمایه‌های شعر گلچین از جمله عشق، غم و اندوه، امید و نومییدی، یادها و خاطرها،

وطن، تقدیر، مرگ و زندگی و راز هستی پرداخته شده است.  
۶. مقاله «تلاش‌های محمد نورالدین عبدالمنعم در ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی در مصر» بهروز قربان زاده (۱۳۹۵) که بطور مستقل به آثار عبدالمنعم پرداخته و فقط خدمات وی را در ترویج زبان فارسی در جهان عرب بخصوص مصر ستوده است.

بررسی پژوهش‌های موجود در حوزه ترجمه اشعار معاصر فارسی به عربی نشانگر آن است که هیچ کتاب، مقاله یا پژوهش مستقلی در زمینه نقد کیفی ترجمه اشعار گلچین گیلانی به عربی براساس نظریه گیدئون توری نوشته نشده است.

### ۱-۶. اهداف و ضرورت پژوهش

از آنجایی که پژوهش و تحقیقات زیادی در این زمینه صورت نگرفته با بررسی ترجمه اشعار گلچین گیلانی بر آنیم تا بررسی کنیم آیا مترجم توانسته بین شعر اصلی و متن مقصد تعادل کامل برقرار کند یا خیر؟

### ۲. زندگینامه گلچین گیلانی

مجدالدین میرفرخایی (۱۲۸۸-۱۳۵۱) در رشت چشم به جهان گشود. وی دوره ابتدایی را در همان شهر گذراند، سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفته و در دبیرستان «دارالفنون» شاگرد استادانی چون عباس اقبال آشتیانی و حسن وحید دستگردی شد (پیشقدم، ۱۳۹۴ هـ. ش، ص ۲۵۹). این شاعر گیلانی برای ادامه تحصیل رشته زبان و ادبیات فرانسه و دروس فلسفه و علوم تربیتی «دارالمعلمین عالی» را برگزید. پس از فراغت از تحصیل در آزمون «اعزام دانشجو به اروپا» شرکت کرد و توفیق یافت. وی در سال ۱۳۱۲ به انگلستان رفت و در آنجا اقامت نموده و تا پایان عمر به ایران برنگشت. گلچین پس از یادگیری زبان انگلیسی و تحصیل در رشته ادبیات انگلیسی، بی‌علاقگی خود را به این رشته نشان داد و در رشته پزشکی «دانشگاه

لندن» مشغول به تحصیل شد. وی در حال تحصیل بود که شعله‌های جنگ جهانی دوم سرکشید و تحصیلاتش مدتی به تعویق افتاد. او برخلاف دانشجویان دیگر در انگلستان ماند و با گویندگی در فیلم‌های خبری و اخبار رادیو و رانندگی آمبولانس، دوران جنگ را سپری کرد. پس از جنگ، دوره «تخصص بیماری‌های گرمسیری» را به پایان رساند و در لندن مشاور پزشکی سفارت ایران گشت. وی که یکبار در ۱۳ سالگی و بار دیگر در لندن ازدواج کرده بود، در هر دو مورد طعم تلخ جدایی از همسر را تجربه کرد و با ازدواج سوم به آرامش نسبی دست یافت، اما مرگ زودرس به سراغش آمد و چراغ عمرش را خاموش کرد (همان، ۲۶۲).

### ۳. محمد نورالدین عبد المنعم و کتاب مختارات من الشعر الفارسی الحدیث

محمد نور الدین عبد المنعم در سال ۱۹۴۱ میلادی برابر با ۱۳۶۰ هـ ق در قاهره به دنیا آمد. این مترجم و فارسی پژوه مصری استاد دانشگاه الازهر مصر و رئیس سابق گروه زبان و ادب فارسی این دانشگاه است.

وی پس از سپری کردن مرحله کارشناسی زبان فارسی وارد دانشگاه قاهره شد و در سال ۱۹۶۷ میلادی با ارائه پایان نامه ای با عنوان «منوچهری دامغانی زندگی، اشعار و روزگار او» دانشنامه کارشناسی ارشد گرفت و در پی آن در سال ۱۹۷۲ میلادی با ارائه پایان نامه خود با عنوان «تأثیر البلاغة العربية في نشأة البلاغة الفارسية وتطورها» دانش نامه دکترا أخذ نمود (امیری، ۵۱۳۸۰ ش).

عبد المنعم مترجم و فارسی پژوه مصری است که در نشر ادب فارسی در مصر گام‌های بلندی برداشته و به حق ادامه دهنده راه مترجمان بزرگی چون عبدالوهاب عزام به شمار می‌آید. وی در اثری با عنوان «مختارات من الشعر الفارسی الحدیث» با نظارت «جابر عصفور» به ترجمه سروده‌های ۳۱ تن از شاعران برجسته معاصر پرداخت که در این میان، تعریب ۲ سروده از اشعار گلچین گیلانی با نام «باز باران»

(جاء المطر) و «خانه ویران» (البيت المظلم)، ملاحظه می شود. عبدالمنعم در آثار دیگری نیز به برگردان شاهکارهایی از ادب فارسی پرداخته است که مجموعه های «جَوْلَة فی ریاضِ الأدبِ الفارسی» با همکاری محمد بدیع جمعه «فَنُّ الغزل: مختاراتٌ من الغزلیات الفارسیة» و «آخر جرعة فی هذه الكأس» از آن جمله به شمار می آید (شهبازی، ۵۱۴۰۰. ش، صص ۲۵۴-۲۵۵).

#### ۴. نظریه گیدئون توری

گیدئون توری (۱۹۴۲ م. - ۲۰۱۶ م.) در شهر حیفا فلسطین به دنیا آمد. استاد ترجمه‌شناسی و ادبیات تطبیقی بود و از پیشگامان مطالعات توصیفی ترجمه در دنیا به شمار می‌رود (افضلی، مدنی، ۵۱۳۹۹. ش، ص ۴۰).

نظریات ترجمه در دوره معاصر به دو گروه بزرگ، نظریات مقصدگرا مبدأگرا تقسیم می شود. نظریه گیدئون توری در این باب، یکی از رویکردهای مقصدگرا به شمار می رود.

به اعتقاد گیدئون توری، ترجمه رفتاری مبتنی بر هنجار است: مترجم در جریان آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم خود، هنجارهای زبانی، فرهنگی و اجتماعی متداول میان مترجمان عصر خود را می آموزد و آنها را آگاهانه یا ناآگاهانه در شیوه ترجمه خویش به کار می برد؛ به عبارت دیگر، ترجمه تحت تأثیر محدودیت‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی که فرهنگ مقصد بر ترجمه اعمال می کند، صورت می گیرد. با این حال، به اعتقاد توری، مترجمان در پذیرش یا رد هنجارها آزادی دارند هرچند که عموماً تمایل دارند از هنجارها تبعیت کنند؛ چون تبعیت از هنجارها پاداش به دنبال دارد و نقض هنجارها ممکن است با طرد و مخالفت روبرو شود (خزاعی فرید و قاضی زاده، ۵۱۳۹۴. ش، ص ۸۳).

مترجم نباید با روشی ایستا به ترجمه پردازد، بلکه باید با معادل‌یابی هنجارهای زبان مبدأ در قالب بیان یا ساختار در زبان مقصد برای ترجمه جمله، تعبیر مناسب‌تر

را برگزینند. باتوجه به اینکه ترجمه شعر حتی در قالب شعری عملاً غیرممکن است اما این مطلب به معنای ضعف مترجمان شعر به شعر نیست بلکه ساختار شعر، غیر قابل ترجمه است (معروف، ۵۱۳۹۲. ش، ص ۲۶).

#### ۱-۴. هنجارهای سه گانه گیدئون توری

هنجارها چون ارزشهای همگانی با باورهای مشترک در یک اجتماع هستند. یک مترجم هم می تواند به هنجارهای متن اصلی (زبان مبدأ) تن دهد و هم این امکان را دارد که هنجارهای فرهنگ و زبان مقصد را به کار بندد. اصول و الزامهای ترجمه معمولاً دو شکل به خود می گیرند: شکل همگانی که قواعدی تقریباً ثابت و همگانی را در برمی گیرد و شکل خاص و فردی، که با شیوه و سبک ویژه هر مترجم در پیوند است (توری، ۲۰۱۱م، ص ۲).

توری در مورد اهمیت هنجارها در ترجمه می گوید: «فعالیت های ترجمه ای را باید جزء اموری قلمداد کرد که اهمیت فرهنگی دارند. در نتیجه مترجم بودن بیش از هر چیز برابر است با توانایی ایفا کردن نقشی اجتماعی به گونه ای که مناسب با حیطه عمل آن تصور می شود» (شمس آبادی و افضلی، ۵۱۳۹۴. ش، ص ۱۴۸).

هنجارها از منظر توری به سه دسته ۱- آغازین ۲- مقدماتی ۳- عملیاتی تقسیم می شوند:

#### ۱-۱-۴. هنجارهای آغازین

این هنجارها به تصمیمات کلی مترجم درباره رویکرد کلی ترجمه اشاره دارند. مترجم باید تصمیم بگیرد که ترجمه اش تا چه حد به فرهنگ مبدأ یا فرهنگ مقصد گرایش داشته باشد. به نقل از راسخ مهند، توری معتقد است که هر زبان یا متن از لحاظ ساختار، دایره واژگان و هنجارها و غیره با دیگر زبانها و متون متفاوت است؛ از اینرو باید طیفی برای ترجمه در نظر گرفت که در یک سوی آن پذیرش کامل در

فرهنگ مقصد و در سوی دیگرش کفایت کامل برای برابری با متن مبدأ قرار دارد. وی معتقد است ترجمه همواره بین این دو قطب قرار می‌گیرد؛ یعنی نه کاملاً از سوی فرهنگ مقصد پذیرفته، و نه در برابر متن اصلی از کفایت کامل برخوردار می‌شود (راسخ مهند، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۱۸).

به عنوان مثال در ترجمه عربی «سفره هفت‌سین» به «مائدة نوروز التقليدية»، مترجم به جای ترجمه مستقیم «هفت‌سین»، مفهوم آن را با عبارتی کلی‌تر بازنویسی کرده است. این تغییر نشان می‌دهد که مترجم هنجار آغازین مقصدمحور را انتخاب کرده تا مفهوم برای مخاطب عرب‌زبان روشن‌تر باشد. به عبارت دیگر مترجم به جای تمرکز بر وفاداری دقیق به متن فارسی، به انطباق فرهنگی با مخاطب عربی توجه داشته است.

#### ۲-۱-۴. هنجارهای مقدماتی

هنجار مقدماتی قائل به سیاست‌های ترجمه یعنی عوامل تعیین‌کننده انتخاب متن برای ترجمه در زمان، فرهنگ یا زبان مشخص است و نیز به سویگی/ جهت‌داری ترجمه می‌پردازد یعنی تسامح جامعه خاصی نسبت به یک ترجمه که به واسطه یک زبان میانجی انجام شده است و این که آیا این زبان میانجی در ترجمه پنهان می‌ماند یا نه؟

در این زمینه باید به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داد: آیا روی آوردن به ترجمه غیرمستقیم مجاز است؟ چنین ترجمه‌ای چه نوع منبع و متن یا کدام دوره زمانی را دربرمی‌گیرد؟ محدودیت‌ها، ترجیحات و میزان تساهل در این شکل از ترجمه چیست یا به چه میزان است؟ واسطه‌گری میان زبان‌ها به چه نحوی به انجام می‌رسد؟ و... (ابراهیمی، ۱۳۹۰ ه.ش). برای مثال در ترجمه عربی «شاهنامه فردوسی» به «کتاب الشاهنامه»، مترجم تصمیم گرفته است که نام اثر را تغییر ندهد و همان «شاهنامه» را در ترجمه عربی حفظ کند. این نشان‌دهنده احترام به فرهنگ مبدأ و اهمیت اثر

در سطح سیاست‌گذاری کلی ترجمه است. به عبارت دیگر بر اساس نظریه توری مترجم در سطح هنجار مقدماتی، به سیاست‌گذاری کلی برای وفاداری به متن مبدأ عمل کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده پذیرش فرهنگ مبدأ در ترجمه است.

### ۳-۱-۴. هنجارهای عملیاتی

این هنجارها به تصمیمات جزئی مترجم در حین فرآیند ترجمه، مانند انتخاب واژگان، ساختار جملات و سبک مربوط می‌شوند. همچنین در ساختاردهی به متون و صورت‌بندی‌های زبانی نقش دارند. بنابراین، رابطه میان زبان مبدأ و مقصد مستقیماً یا به شکلی غیرمستقیم تابع هنجارهای عملیاتی است. به دیگر سخن، تغییر و عدم تغییر، هر دو وابسته به این نوع هنجارها هستند و این یعنی آنچه باید از متن حذف یا بدان افزوده شود و تغییر محل مطالب و بخش‌های یک متن هم تحت تاثیر هنجارها به وقوع می‌پیوندد (ابراهیمی، ۱۳۹۰ ه.ش).

برای مثال در ترجمه عربی «او لبخند زد» به «ابتسمت بهدوء»، مترجم واژه «بهدوء» (آرام) را به جمله اضافه کرده است تا احساس بیشتری به مخاطب منتقل کند. این تغییر جزئی در سطح ساختار و واژگان، نشان‌دهنده هنجار عملیاتی است. که به عقیده توری، ترجمه مانند هر انتقال دیگر نیازمند این است که پایایی تحت تأثیر تبدیل باشد. قانون تداخل را هم به انتقال ساختار متن مبدأ به زبان مقصد تعریف کرده‌اند که بیشتر در سطح نحوی و واژگانی نمود پیدا می‌کند (افضلی و مدنی، ۵۱۴۰۱ ه.ش، ص ۲۱۴).

### ۵. تحلیل و ارزیابی شعر «باز باران» (گلچین کیلانی)

در توضیح شعر زیبای «باز باران» می‌توان گفت در اوج زیبایی با بیانی ساده سروده شده و افراد با هر سن و سالی به راحتی معنایش را درک خواهند کرد. دوباره باران با آوایی زیبا با دانه‌های فراوانی همچون دانه‌های گوهر بر پشت بام خانه

می‌بارد. در این هنگام شاعر یک روز بارانی را در کودکی خود به یاد می‌آورد. روزی که برایش یادآور خاطرات شیرین گردش کردن در جنگل‌های سرسبز استان گیلان است. طبق الگوی توری چنانچه مترجم به متن مقصد توجه داشته باشد ترجمه وی پذیرفته است متن ترجمه شده مصنوع فرهنگی است که از طریق نسخه‌ای پذیرفتنی در فرهنگ مقصد جانشین متن مبدا می‌شود. فرآیند ترجمه را تنها از طریق تحلیل متن ترجمه شده در درون بافت فرهنگی - زبانی می‌توان فهمید. توری استدلال می‌کند که ترجمه‌ها خودشان هویت ثابت ندارند؛ از آنجا که آنها همواره در معرض تأثیر عوامل بافتی اجتماعی - ادبی گوناگون قرار دارند، باید به آنها طوری نگاه کرد که گویی هویت‌های چندگانه‌ای دارند که هر یک وابسته به نیروهای دخیل در فرآیند تصمیم‌گیری در زمانی خاص است (گنتزler، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۶۴).

#### باز باران، با ترانه ( عاد المطر، يتساقط من جديد، بأناشیده وأنغامه)

بر اساس هنجارآغازین توری، در این ترجمه، عبارت «باز باران» به «یتساقط من جدید» ترجمه شده است. این انتخاب تا حدی از این هنجار فاصله گرفته است. زیرا «باز» در فارسی حسی از تکرار و نوعی تازگی به همراه دارد که با استفاده از واژه «من جدید» این حس به طور کامل منتقل نشده است. همچنین، «با ترانه» به «باناشیده وانغامه» ترجمه شده که در عربی معنایی نزدیک دارد، اما بار عاطفی و موسیقایی کلمه «ترانه» را به‌طور کامل منتقل نمی‌کند. این ممکن است نتیجه هنجارهای آغازین مترجم باشد که سعی در سازگاری با زبان مقصد داشته است، اما ممکن است منجر به از دست رفتن احساسات خاص متن منبع شده باشد.

افزودن «أناشیده وأنغام» به جای «ترانه» باعث تغییر در ساختار و ریتم متن اصلی شده است. این تغییر در سطح هنجار عملیاتی رخ داده و هدف آن بازتولید فضای شاعرانه برای مخاطب عرب بوده است، هرچند ایجاز متن اصلی از بین رفته است. با این حال، توری در نظریه خود، بر روابط عملی میان متن مبدأ و ترجمه تأکید دارد و بر اساس نیازهای مخاطب مقصد، چنین افزایشی ممکن است قابل

توجیه باشد. به این ترتیب، این انتخاب مترجم به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی میان فارسی و عربی قابل بررسی است (گنتزler، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۶۵).

### میخورد بر بام خانه (فوق سطح المنزل)

بر اساس هنجار آغازین ترجمه «فوق سطح المنزل» به جای «بام خانه» نشان‌دهنده هنجار مقصدمحور است. این انتخاب ناشی از سیاست کلی مترجم برای استفاده از اصطلاحات رایج و ملموس در زبان مقصد است، که در چارچوب هنجار مقدماتی قرار دارد. اما از نظر هنجار عملیاتی حس ضربه زدن و پخش شدن باران را به خوبی نشان نمی‌دهد. این انتخاب از نظر ساختاری صحیح است، اما به نظر می‌رسد که «فوق السقف» یا «فوق السطح» به ساختار و معنای اصلی نزدیک‌تر باشد.

### من به پشت شیشه تنها، ایستاده (وَأنا أقف وحيداً، خلف الزجاج)

این ترجمه از نظر هنجارهای آغازین، موفق به انتقال فضای حسی بیت فارسی شده است. مترجم توانسته است حس تنهایی و ایستادن پشت شیشه را به درستی منتقل کند. اما در خصوص هنجار عملیاتی، با انتخاب «وَحیداً»، ساختار جمله حفظ شده، اما بار احساسی و شاعرانه «تنها» در ترجمه کمی کاهش یافته است.

یک، دو، سه گنجشک پرگو (و يطير عصفوران أو ثلاثة عصافير مغرّدة هنا وهناك) انتخاب واژه «عصفوران» برای «گنجشک» از هنجارهای مقدماتی مترجم نشأت می‌گیرد که سعی در استفاده از واژه‌های رایج در زبان عربی داشته است. این انتخاب تا حدی موفق است، اما مفهوم «پرگو» که در فارسی به معنای پرحرف یا پرصدا است، استفاده از «مغرّدة» برای «پرگو» دقیق نیست. این تغییر در سطح هنجار عملیاتی رخ داده و هدف، انتقال معنایی نزدیک است، اما ممکن است باعث از دست رفتن معنای مورد نظر در زبان مبدأ میشود.

«یطیر» به معنای «پرواز می‌کنند» به درستی انتخاب شده، اما اضافه شدن «وهی سعیدة فرحة» (آنها شاد و خوشحال هستند) در ترجمه عربی، تغییری اضافی است که در متن اصلی وجود ندارد. این افزودگی به هنجارهای عملیاتی مترجم مربوط

می‌شود که ممکن است برای پر کردن خلاء معنایی یا القای احساسی مشابه در زبان مقصد، این تغییر را ایجاد کرده باشد.

می‌خورد بر شیشه و در مشت و سیلی (و کانت قبضة تدق علی الزجاج وتطرق الأبواب)

در خصوص هنجارهای آغازین توری، تصویر «مشت و سیلی» در فارسی، شدت و خشونت باران را به خوبی القا می‌کند. در ترجمه عربی، «قبضة تدق» به معنای مشت زدن یا کوبیدن است، اما قدرت تصویری «سیلی» در فارسی ممکن است به‌طور کامل به «تطرق» منتقل نشده باشد، که به دنبال حفظ معنا و تصویر کلی بوده، اما شاید در انتخاب واژگان مناسب دقت کافی نکرده باشد. در زبان عربی، «تدق» و «تطرق» بیشتر به معنای کوبیدن و زدن درها به کار می‌روند، اما در فارسی، «سیلی» علاوه بر معنای ضربه، حسی از شدت و ناگهانی بودن دارد که در ترجمه عربی از بین رفته است. این تغییر می‌تواند به دلیل تلاش مترجم برای انطباق با هنجارهای مقدماتی باشد. اما در خصوص هنجارهای عملیاتی، مترجم تصمیم گرفته است که تصویر را در قالب عباراتی ساده‌تر و کمتر شاعرانه بازتولید کند. «قبضة تدق» تصویر بصری قوی‌ای ندارد و شاید ترجمه‌ای مکانیکی به نظر برسد. این تغییرات عملیاتی نشان‌دهنده تمرکز بر انتقال معنا بدون حفظ زیبایی شاعرانه متن اصلی است.

آسمان امروز دیگر نیست نیلی (ولم تعد السماء الیوم رمادیة اللون)

مترجم «نیلی» را به «رمادیة» تغییر داده که معادلی رایج‌تر در عربی است و از هنجارهای مقدماتی او در ترجمه ناشی می‌شود. انتخاب «خاکستری» به جای «نیلی» ممکن است به دلیل سازگاری با مفهوم عمومی آسمان در زبان عربی باشد. با این حال، این تغییر معنای دقیق و خاص کلمه «نیلی» را به‌طور کامل منتقل نمی‌کند و نشان‌دهنده یک تغییر در جهت‌گیری مترجم به سوی انطباق فرهنگی است. تغییر واژه باعث از دست رفتن دقت معنایی شده و این تغییر در سطح هنجار عملیاتی

رخ داده است. «بررسی متن مبدا و مقصد باید تبدیل‌هایی را که در ترجمه صورت گرفته است آشکار نماید. اینجاست که توری مفهوم تعادل ترجمه را مطرح می‌کند اما تاکید دارد که تعادل مد نظر او یک مفهوم نقشمند رابطه‌ای است که به تعادل میان متن مبدأ و مقصد اشاره دارد» (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷).

**یادم آرد روز باران گردش یک روز دیرین** (وتذگرت يوم المطر وجولة أحد الأيام الخالية التي تتميز بالجمال والمتعة)

مترجم تلاش کرده است با «يوم المطر» و «أحد الأيام الخالية» این حس را منتقل کند. اما اضافه کردن عبارت «التي تتميز بالجمال والمتعة» تغییری اضافی است که در متن اصلی وجود ندارد و بر اساس هنجارهای آغازین مترجم برای توضیح و تبیین بیشتر در زبان مقصد افزوده شده است. واژه «الأيام الخالية» به‌درستی برای «روز دیرین» انتخاب شده، اما مترجم تصمیم گرفته تا برای افزایش وضوح و تأثیرگذاری در زبان مقصد، توصیفی اضافی به بیت بیفزاید. سیاست کلی مترجم برای حفظ حس نوستالژیک بیت فارسی بوده که در چارچوب هنجار مقدماتی مبدا محور قرار دارد. جایی که توضیح بیشتر برای حس‌ها و مفاهیم شاعرانه معمول است. طبق هنجارهای عملیاتی در این بیت به‌وضوح در انتخاب واژگان و اضافه کردن توضیحات اضافی دیده می‌شود. مترجم برای ایجاد پیوند عاطفی بیشتر با مخاطب عرب‌زبان، زیبایی و لذت را به توصیف باران افزوده است که ممکن است با متن اصلی فارسی کاملاً منطبق نباشد. «طبق الگوی هنجارهای متنی-زبانی توری، مترجم در معادل‌یابی عملکرد مناسبی نداشته است. انتخاب یک معادل مناسب همیشه فقط بستگی به نظام‌های زبانی ندارد که مترجم با آن سر و کار دارد، بلکه به نحوه بکارگیری نظام‌های زبانی مورد نظر از طرف نویسنده متن مبدأ و تولید کننده متن مقصد یعنی مترجم، به توقعات، دانش پیشینه‌ای و انتظارات خوانندگان در یک موقعیت زمانی و مکانی، به درک خود مترجم از کارش طیف وسیعی از محدودیت‌هایی که می‌توانند در یک زمان معین وجود داشته باشند، بستگی دارد»

(بهرامی، ۱۳۹۳.۵، ص ۲۲).

بر اساس هنجارهای عملیاتی، شاعر در عبارت « ازپرنده، از خرنده، از چرنده» خواسته با کوتاه آوردن بر زیبایی و سجع شعری بیافزاید، اما مترجم با آوردن دو جمله طولانی و «كانت الغابة حيّة ودافئة بما فيها من حيوانات زاحفة وحيوانات مُجترة» مترجم با بسط واژگانی در ترجمه اضافه نموده که ضرورتی نداشته و بیشتر به مخاطب محوری گرایش داشته است که با این کار وزن، ریتم و مضمون و انسجام خوانش شعری را بر هم زده، بلکه آن را از ساختار ظاهری شعر عربی نیز دور کرده است بی آنکه ضرورتی داشته باشد. پیشنهاد ما «من الطيور، من الزاحفة، من المواشي» می باشد.

#### همچو می مستی دهنده (كراثة الخمر المسكرة)

بر اساس هنجارهای آغازین توری، بیت فارسی با استفاده از تشبیه بوی جنگل به «می مستی دهنده»، حس سرخوشی حاصل از بوی طبیعت را به خوبی بیان می کند. مترجم از عبارت «كراثة الخمر المسكرة» استفاده کرده که به معنای بوی شراب مست کننده است، با این حال، ارتباط مستقیم «بوی جنگل» با «مستی دهنده» ممکن است در ترجمه به اندازه متن اصلی برجسته نباشد. در فرهنگ عربی، استفاده از واژه «خمر» معمولاً به بوی شراب اشاره دارد که ممکن است با معنای بوی طبیعت تفاوت داشته باشد. این انتخاب ها در راستای هنجارهای مقدماتی فرهنگی صورت گرفته اند تا ترجمه ای قابل فهم و جذاب در زبان مقصد ارائه شود. مترجم در سطح هنجار عملیاتی، با انتخاب «كراثة الخمر» به جای «می مستی دهنده»، تغییر مهمی در ساختار و بار معنایی ایجاد کرده است. این انتخاب باعث شده که حس شاعرانه و لطافت استعاری متن اصلی تا حدی از بین برود.

#### بردختان میزدی پر (تنتقل من شجرة إلى شجرة)

بر اساس هنجار آغازین، ترجمه عربی «تنتقل من شجرة إلى شجرة» (از یک درخت به درخت دیگر منتقل می شود) توانسته است حرکت و پویایی را به خوبی

منتقل کند. اما این ترجمه از لحاظ تصویری و احساسی به اندازه متن اصلی قوی نیست. با این حال، حس پرواز و آزادی که در متن فارسی وجود دارد، در ترجمه عربی ممکن است کمتر احساس شود. این موضوع به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان فارسی و عربی و انتخاب‌های مترجم در هنجارهای مقدماتی بازمی‌گردد. در فارسی، «پر زدن» بار تصویری و شاعرانه‌ای دارد که آزادی حرکت پرنده را القا می‌کند، در حالی که «تنتقل» بیشتر حرکت مکانیکی و انتقالی را نشان می‌دهد. این تغییر بر اساس هنجار عملیاتی، نشان‌دهنده تصمیم مترجم برای ساده‌سازی تصاویر شعری است.

**برگ و گل هر جا نمایان ( وأوراق الشجر والزهور واضحة وظاهرة في كل مكان »**  
افزودن عبارات «واضحة وظاهرة» در ترجمه عربی نشان‌دهنده گرایش مترجم به هنجارهای آغازین مقصدمحور است. این تغییر برای تأکید بیشتر و ایجاد تصویری واضح‌تر در ذهن مخاطب عرب‌زبان صورت گرفته و در راستای سازگاری فرهنگی با زبان مقصد انجام شده است. طبق الگوی گیدئون توری، این رویکرد نشان می‌دهد که مترجم، ضمن در نظر گرفتن هنجارهای مبدأ، تلاش کرده تا ترجمه‌ای تولید کند که در فرهنگ مقصد پذیرفتنی باشد. این تغییرات عملیاتی، به رغم فاصله‌گیری از متن اصلی، هدفی غایت‌گرایانه را دنبال می‌کنند که در نهایت به درک بهتر مخاطب از متن کمک می‌کند. توری در طی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که دلیل بی توجهی عمومی به وفاداری در برابر متن اصلی این نیست که مترجمان به روابط متنی درون متن مبدأ بی اعتنا هستند، بلکه هدف اصلی آنها عرضه ترجمه‌ای به فرهنگ مقصد است که در آن فرهنگ پذیرفتنی باشد بنابراین تصمیم‌گیری مترجم در عملیات ترجمه نتیجه طبیعی رجحانی بود که درهدف اولیه غایت‌گرایانه او نهفته بود (گنتزler، ۵۱۳۹۳، ش، ص ۱۶۲).

**چتر نیلوفر درخشان، آفتابی ( والشمس هي، مظلة النيلوفر المتلألئة )**  
مترجم با انتخاب «مظلة النيلوفر المتلألئة» به جای «چتر نیلوفر درخشان» از

هنجار آغازین مقصدمحور پیروی کرده و معنای استعاری را به شکل ساده‌تری منتقل کرده است. این تصمیم، ناشی از هنجار مقدماتی مقصدمحور، بر سازگاری فرهنگی و شفافیت برای مخاطب عرب‌زبان تمرکز دارد. در سطح هنجار عملیاتی، تغییر ساختار استعاری به سادگی بیشتر منجر شده، که هرچند لطافت متن اصلی را کاهش داده، اما به فهم روان و قابل درک در فرهنگ مقصد کمک کرده است.

سنگ‌ها از آب جسته / از خزه پوشیده تن را (وبرزت الحجاره من الماء / وقد تغطت بلباس حريري)

مترجم با استفاده از «لباس حريري» برای توصیف «خزه»، از هنجار آغازین مقصدمحور پیروی کرده است؛ هدف او ارائه تصویری زیباتر و استعاری برای مخاطب عرب‌زبان بوده است. این تغییر در چارچوب هنجار مقدماتی قرار دارد، زیرا مترجم تلاش کرده است ترجمه‌ای سازگار با هنجارهای فرهنگی و زبانی مقصد تولید کند. در سطح هنجار عملیاتی، این انتخاب لطافت و زیبایی را افزایش داده، اما باعث فاصله گرفتن از واقع‌گرایی متن اصلی شده است. در نتیجه، ترجمه به سمت بازآفرینی استعاری حرکت کرده و جنبه‌های شاعرانه آن تقویت شده است.

بس وزغ آنجا نشسته / دم به دم در شور و غوغا (وجلست ضفادع كثيرة هناك / وقد انشغلت بالضجيج والعجيج لحظة بلحظة)

مترجم در این ترجمه با استفاده از «ضفادع كثيرة» به جای «وزغ» و افزودن «لحظة بلحظة»، رویکردی مقصدمحور اتخاذ کرده و سعی کرده است تصویری غنی‌تر و دقیق‌تر از آنچه در متن اصلی وجود دارد، به مخاطب عربی ارائه دهد. این انتخاب‌ها نشان‌دهنده سیاست مترجم در هنجار مقدماتی مقصدمحور برای سازگاری با فرهنگ مقصد و برقراری ارتباط مؤثرتر با مخاطب است. در سطح هنجار عملیاتی، این تغییرات باعث شده تا ترجمه از سادگی و وضوح متن فارسی فاصله بگیرد، هرچند که هدف مترجم انتقال مؤثرتر حس پویایی و سروصدای موجود در شعر بوده است، که این به پیچیدگی بیشتر در ترجمه منجر شده است.

چشمه‌ها چون شیشه‌های آفتابی / نرم و خوش در جوش و لرزه (وعیون الماء  
 كزجاجات شمسیّة / تتحرك في اضطراب وارتعاش بلطف ورقة)  
 مترجم در این ترجمه با استفاده از «کزجاجات شمسیه» به جای «چشمه‌ها چون  
 شیشه‌های آفتابی»، تصویری مشابه و واضح‌تر از متن اصلی به زبان مقصد منتقل  
 کرده است که نشان‌دهنده پیروی از هنجار آغازین مقصد محور است. این انتخاب،  
 با افزودن واژه‌های «لطف» و «ورقة»، تصویری شفاف‌تر و لطیف‌تر از «نرمی» و  
 «لطف» در ذهن مخاطب عربی ایجاد کرده است. در سطح هنجار مقدماتی،  
 مترجم بر اساس سیاست سازگاری فرهنگی و زبانی با مخاطب عربی، تلاش کرده  
 تا مفاهیم را به‌طور روشن‌تر بیان کند. در سطح هنجار عملیاتی، افزودن جزئیات  
 اضافی باعث شده تا تصویر دقیق‌تر و لطیف‌تری از چشمه‌ها ارائه شود، هرچند که  
 این تغییرات باعث فاصله گرفتن از سادگی و وضوح بیت فارسی شده است. به‌طور  
 کلی، این تغییرات در راستای انتقال زیبایی و لطافت شاعرانه متن اصلی صورت  
 گرفته است.

توی آنها سنگ ریزه / سرخ و سبز و زرد و آبی (وبداخلها حصی / لونها أحمر  
 وأخضر وأصفر وأزرق)

بر اساس هنجار آغازین، مترجم از «حصی» برای «سنگ‌ریزه» و «لونه أحمر و  
 أخضر و أصفر و أزرق» برای «سرخ و سبز و زرد و آبی» استفاده کرده است. این  
 انتخاب‌ها نشان‌دهنده تلاش مترجم برای حفظ دقت در انتقال رنگ‌ها و جزئیات  
 طبیعی موجود در متن اصلی است. با این حال، استفاده از «لونه» به معنی «رنگ  
 آن» شاید به تاکید بیشتری نسبت به متن اصلی منجر شده باشد. مطابق با هنجار  
 عملیاتی نیز، مترجم در اینجا با انتخاب واژگان و رنگ‌های مناسب، سعی کرده تا  
 همان حس و زیبایی طبیعی بیت اصلی را در ترجمه حفظ کند. این انتخاب‌ها باعث  
 شده تا ترجمه به خوبی با متن اصلی هماهنگ باشد و در عین حال از نظر زبانی  
 برای مخاطبان عربی روان و جذاب باشد.

با دوپای کودکانه / می‌دویدم همچو آهو (وکنت أعدو كالغزال / بقدمي الصغیرتین)

در سطح هنجار آغازین، انتخاب‌های واژگانی مانند «أعدو كالغزال» و «قدمي الصغیرتین» سعی دارند معنای اصلی را به‌خوبی منتقل کنند. در سطح هنجار مقدماتی، تغییرات در ساختار جملات برای تطابق بهتر با زبان و فرهنگ مقصد انجام شده است، که هدف آن ارائه مفاهیم شفاف و قابل‌فهم برای مخاطب عربی است. در نهایت، در هنجار عملیاتی، مترجم با تغییراتی در ترتیب کلمات و استفاده از واژگان رایج عربی، ترجمه‌ای روان و نزدیک به متن اصلی ایجاد کرده، هرچند که این تغییرات باعث کاهش سادگی و روانی بیت فارسی شده است.

می‌پریدم از لب جو (وکنت أطیر من منبع مجری الماء)

در سطح هنجار آغازین، مترجم با استفاده از واژه «أطیر» به‌جای «می‌پریدم» سعی کرده است مفهومی ساده و قابل‌فهم برای مخاطب عربی ایجاد کند، اگرچه این انتخاب ممکن است از دقت تصویرسازی فارسی فاصله بگیرد و حس دقیق «پریدن» را کاهش دهد. این انتخاب‌ها در سطح هنجار مقدماتی با هنجارهای فرهنگی و زبانی عربی هماهنگ بوده و ترجمه‌ای روان و قابل‌فهم ارائه داده‌اند، هرچند که ممکن است تا حدودی از معنای دقیق بیت اصلی فاصله گرفته باشند. با این حال، انتخاب «أطیر» به‌جای «می‌پریدم» ممکن است کمی از تصویرسازی واقعی بیت اصلی فاصله گرفته باشد. این انتخاب نشان‌دهنده تلاش مترجم برای تطبیق بیت اصلی با زبان مقصد است.

طبق الگوی هنجارهای متنی-زبانی توری در معادل‌یابی عملکرد مناسبی نداشته است. انتخاب یک معادل مناسب همیشه فقط بستگی به نظام‌های زبانی ندارد که مترجم با آن سروکار دارد، بلکه به نحوه بکارگیری نظام‌های زبانی مورد نظر از طرف نویسنده متن مبدأ و تولیدکننده متن مقصد یعنی مترجم، به توقعات، دانش پیشینه‌ای و انتظارات خوانندگان در یک موقعیت زمانی و مکانی به درک خود

مترجم از کارش و طیف وسیعی از محدودیت‌هایی که می‌توانند در یک زمان معین وجود داشته باشند بستگی دارد (بهرامی، ۱۳۹۳، ش، ص ۲۲).

**دور می‌گشتم ز خانه / می‌کشانیدم به پایین (و أبتعد عن المنزل / وکنت أشد لأسفل)**

**شاخه‌های بید مشکی / دست من می‌گشت رنگین (أغصان شجرة الصفصاف السوداء / وکانت یدی تتلون)**

در سطح هنجار آغازین، ترجمه مترجم به شکلی است که وفاداری نسبی به متن اصلی دارد، ولی برخی از ظرایف معنایی در ترجمه از دست رفته است. برای مثال، مفهوم «می‌کشانیدم به پایین» که در فارسی حالت تصویری و دینامیکی دارد، در ترجمه عربی با «و کنت أشد لأسفل» که نوعی خشونت و اجباری بودن را القا می‌کند، جایگزین شده است.

در سطح هنجار مقدماتی، مترجم به دنبال هم‌راستا ساختن متن با زبان و فرهنگ مقصد بوده و برای فهم بهتر مخاطب عربی، از واژه‌هایی استفاده کرده که ممکن است باعث از دست رفتن زیبایی‌های استعاری و معنایی متن اصلی شوند. در هنجار عملیاتی، مترجم با انتخاب «و کانت یدی تتلون» به جای «دست من می‌گشت رنگین»، تصویر رنگین شدن دست را ساده‌تر منتقل کرده است، اما در اینجا از ظرافت و زیبایی شاعرانه متن اصلی فاصله گرفته است. این تغییرات در نهایت به این معناست که مترجم تلاش کرده است مفاهیم را به زبان مقصد قابل‌فهم‌تر کند، اما به قیمت از دست رفتن برخی جزئیات معنایی و زیبایی‌شناختی متن اصلی.

**از تمشک سرخ و مشکی (من التوت الأحمر والأسود)**

**می‌شنیدم از پرنده / داستان‌های نهانی (و کنت أسمع من الطيور / القصص السریّة)**

از عبارت «تمشک سرخ و مشکی» (من التوت الأحمر والأسود) در ترجمه استفاده شده است. اگرچه این عبارت برای نزدیک کردن مفهوم به زبان مقصد انتخاب شده،

اما «تمشک» و «توت» از نظر کاربرد زبانی تفاوت دارند و مترجم به تفاوت دقیق این دو توجه نکرده است.

در ترجمه عبارت «داستان‌های نهانی» به «القصص السریة»، مترجم معنای اصلی را منتقل کرده است، اما واژه «القصص السریة» در زبان عربی معنای محدودتری نسبت به واژه فارسی «داستان‌های نهانی» دارد. در فارسی، این عبارت علاوه بر معنای ظاهری، بار شاعرانه و اسرارآمیزی نیز دارد که در ترجمه عربی به‌طور کامل منتقل نمی‌شود. این تفاوت نشان‌دهنده چالش‌های موجود در انتقال همان بار معنایی و زیبایی تصاویر در ترجمه است.

از لب باد وزنده / رازهای زندگانی (وَأسمع من فم الرياح العاصفة / أسرار الحياة)  
هر چه می‌دیدم از آنجا / بود دلکش، بود زیبا (کل ما كنت أراه هناك / كان  
جذابًا و جميلًا)

مترجم با تغییر «باد وزنده» به «الرياح العاصفة» سعی کرده است تصویری ملموس و آشنا برای مخاطب عرب‌زبان ارائه دهد که در چارچوب هنجار آغازین قرار می‌گیرد. این انتخاب با هدف تطابق فرهنگی انجام شده، اما باعث از دست رفتن لطافت و معنای آرام متن اصلی شده و تصویری خشن‌تر از باد را القا کرده است. در سطح هنجار مقدماتی، این تغییر بازتابی از سیاست مترجم برای تطبیق متن با فرهنگ و زبان مقصد است.

می‌سرودم روز، ای روز دلارا / داده‌ات خورشید رخشان (وكنت أغني قائلاً: أيتها  
النهار! أيتها النهار الجميل) / لقد وهبتك الشمس المضيئة الساطعة)  
این چنین رخسار زیبا / ورنه بودی زشت و بی‌جان (هذا الوجه الجميل / وإلا  
لكنت قبيحًا بلا روح)

مترجم با ترجمه «روز دلارا» به «أيتها النهار الجميل» و «رخسار زیبا» به «هذا الوجه الجميل»، معنای اصلی را منتقل کرده، اما بخشی از حس عاشقانه و ظرافت شاعرانه متن فارسی از دست رفته است. این تغییرات در چارچوب هنجار آغازین و

هنجار مقدماتی مقصدمحور رخ داده‌اند، زیرا مترجم تلاش کرده از واژه‌های متداول عربی استفاده کند. در هنجار عملیاتی نیز، استفاده از ساختار ساده‌تر مانند «هذا الوجه الجمیل» به جای «رخسار زیبا»، باعث شده است که ظرافت و شاعرانگی متن فارسی کاهش یابد و حس و تصویرسازی عمیق موجود در متن اصلی، در ترجمه عربی کمتر احساس شود.

این درختان / با همه سبزی و خوبی (هذه الأشجار / بكل ما فيها من خضرة وجمال)

گر نبودی مهر رخشان ؟ / روز، ای روز دلارا / گر دلارایی است، از خورشید باشد  
(والنهار تلو النهار الجمیل / لو كان جمیلاً حقاً فإن ذلك من الشمس)  
ای درخت سبز و زیبا / هر چه زیبایی است از خورشید باشد (یا أيتها الشجرة  
الخضراء البديعة / إن كل جمال مصدره الشمس)

ترجمه در این بخش پیام کلی شاعر را منتقل کرده است، اما لطافت و زیبایی شاعرانه متن فارسی به‌طور کامل حفظ نشده است. به‌ویژه در ترجمه واژه «دلارایی» به «الجمیل»، حس عاطفی و ظرافت موجود در متن اصلی کاهش یافته است. ساختار جملات و انتخاب واژه‌ها در چارچوب هنجار آغازین و هنجار مقدماتی مقصدمحور صورت گرفته است، به این معنا که مترجم تلاش کرده از مفاهیم ساده و آشنای عربی استفاده کند. با این حال، در سطح هنجار عملیاتی، این انتخاب‌ها باعث شده است که بار احساسی و زیبایی‌شناختی شعر فارسی کمتر در ترجمه عربی احساس شود.

اندک اندک، رفته رفته، ابرها گشته‌اند چیره / آسمان گردید تیره (وبالتدریج  
تغلّبت السحب / فأظلمت السماء)

بسته شد رخساره خورشید رخشان / ریخت باران، ریخت باران (وغطت السحب  
وجه الشمس الساطعة / و هطل المطر.... هطل المطر)  
مترجم با استفاده از «وبالتدریج» به جای «رفته رفته»، مفهوم کلی را منتقل کرده،

اما حس آرامش و جریان طبیعی متن فارسی کمتر احساس می‌شود. این انتخاب در چارچوب هنجار آغازین مقصدمحور قرار دارد. در هنجار عملیاتی نیز، ترجمه مستقیم «بسته شد رخساره خورشید» به «وغطت السحب وجه الشمس» تصویری ساده‌تر و کمتر شاعرانه ارائه می‌دهد، که منجر به کاهش ظرافت و عمق احساسی متن اصلی شده است.

## ۴. نتایج

تحلیل ترجمه عبدالمنعم از شعر «باز باران» گلچین گیلانی بر اساس نظریه هنجارهای گیدئون توری نشان می‌دهد که فرآیند ترجمه تحت تأثیر هنجارهای زبانی، فرهنگی و اجتماعی در سه سطح آغازین، مقدماتی و عملیاتی قرار دارد. مترجم در چارچوب هنجارهای آغازین، رویکردی مقصدمحور اتخاذ کرده است و تلاش داشته تا مفاهیم و تصاویر شاعرانه شعر فارسی را در قالبی قابل‌فهم و پذیرفتنی برای مخاطب عرب‌زبان بازآفرینی کند. این تصمیمات، اگرچه باعث ایجاد ارتباط فرهنگی مؤثرتری شده، اما در برخی موارد به تغییراتی در ظرافت‌های معنایی و شاعرانه متن اصلی منجر شده است.

در سطح هنجارهای مقدماتی، سیاست کلی عبدالمنعم بر انطباق متن با فرهنگ و زبان مقصد متمرکز بوده است. انتخاب واژگان و ساختارهایی که برای مخاطب عربی آشنا تر هستند، حاکی از تلاش مترجم برای حفظ ارتباط فرهنگی است. با این حال، این انتخاب‌ها گاه موجب از دست رفتن برخی عناصر فرهنگی و زیبایی‌شناختی خاص شعر گیلانی شده‌اند که در شعر اصلی، حسی لطیف‌تر و شاعرانه‌تر دارند.

در هنجارهای عملیاتی، تصمیمات اجرایی مترجم در انتخاب واژگان و ساختارهای نحوی نشان می‌دهد که ترجمه عبدالمنعم در تلاش برای انتقال پیام کلی شعر به زبان عربی بوده است. این تغییرات عملیاتی، هرچند در برخی بخش‌ها به روانی و سادگی متن مقصد کمک کرده‌اند، اما به دلیل پیچیدگی‌های سبکی و زیبایی‌شناختی

شعر فارسی، گاه به تغییراتی در ریتم و حس شاعرانه منجر شده‌اند. در مجموع، ترجمه عبدالمنعم از «باز باران» نمونه‌ای از چالش‌های ترجمه میان وفاداری به متن مبدأ و پذیرش در فرهنگ مقصد است. طبق نظریه توری، این ترجمه نشان می‌دهد که فرآیند بازآفرینی مفاهیم فرهنگی و شاعرانه در زبان مقصد، همواره در تعادل میان کفایت و پذیرش قرار دارد. موفقیت مترجم در ایجاد این تعادل، معیار مهمی در ارزیابی کیفیت ترجمه به‌شمار می‌رود و بررسی این اثر نشان می‌دهد که مترجم، هرچند در انتقال معنای کلی موفق بوده، اما در حفظ برخی از ظرافت‌های شاعرانه متن اصلی، تحت تأثیر هنجارهای مقصدمحور، با چالش‌هایی مواجه شده است.

## منابع و مأخذ

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱ ه.ش). فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: انتشارات غزال.

افضلی، علی و اکرم مدنی. (۱۴۰۰ ه.ش). «کاربست نظریه هنجارهای گیدئون توری در ارزیابی کیفی ترجمه». فصلنامه مطالعات ترجمه، سال هجدهم، شماره عربی اشعار سهراب سپهری، ۶۳، صص ۲۰۷-۲۲۶.

امیری، کیومرث. (۱۳۸۰ ه.ش). زبان فارسی در جهان مصر. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

پیشقدم، فرشته، (۱۳۹۴ ه.ش)، نام‌آوران گیلان، قزوین: اقاچیا. خزائی فرید، علی و قاضی زاده، خلیل، (۱۳۹۴ ه.ش)، «تأثیر هنجارها بر روند ترجمه، موردپژوهی: ترجمه‌های معاصر قرآن مجید»، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۳، صص ۸۴-۱۰۱.

راسخ مهند، محمد، (۱۳۸۱ ه.ش)، «نقد و معرفی کتاب نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۷، شماره اول، صص ۱۱۴. السعید جمال الدین، محمد، (۲۰۰۸ م)، «قرن و ربع قرن من الترجمة عن الفارسیة»، أواصر، العدد الاول، صص ۱۳۱-۱۳۶.

شمس آبادی، حسین و افضلی، فرشته، (۱۳۹۴ ه.ش)، «ناهنجاری‌های واژگانی و مفهومی در ترجمه متون داستانی و نمایشی از عربی به فارسی»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۵، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۹۴، صص ۱۵۹-۱۸۴.

شهبازی، علی اصغر، (۱۴۰۰ ه.ش)، «ارزیابی ترجمه مجموعه تولدی دیگر فروغ فرخزاد بر مبنای نظریه تغییرات صوری کیتفورد (مورد پژوهی مقایسه ترجمه عبدالمنعم و العطار)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره

- یازدهم، شماره ۲۵، صص ۲۴۹-۲۸۳.
- قبنی، نزار، (۱۳۸۰ ه.ش)، بلقیس و شاعرانه‌های دیگر، ترجمه: موسی بیدج، تهران: نشر ثالث.
- کاظمی نجف‌آبادی، سمیه و رحیمی خویگانی، محمد، (۱۳۹۶ ه.ش)، «بازتاب ترجمه شعر معاصر فارسی در جهان عرب»، فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۵۶.
- گنتزلیز، ادوین، (۱۳۹۳ ه.ش)، نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر، ترجمه: علی صلح‌جو، چاپ دوم، تهران: انتشارات هرمس.
- متقی‌زاده، عیسی، (۱۳۸۸ ه.ش)، فرهنگ عربی - فارسی فارسی - عربی، تهران: انتشارات شابک.
- مسعود، جبران، (۱۳۸۹ ه.ش)، فرهنگ الفبایی، الرائد عربی-فارسی، ترجمه: دکتر رضا انزابی‌نژاد، تهران.
- معروف، یحیی، (۱۳۹۲ ه.ش)، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- میرفخرایی، مجدالدین، (۱۳۸۹ ه.ش)، مجموعه اشعار گلچین گیلانی، گردآورنده: کامیار عابدی، تهران: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- نورالدین عبدالمنعم، محمد، (۲۰۰۹ م)، مختارات من الشعر الفارسی الحدیث، القاهرة: المرکز القومي للترجمة.
- نیازی، شهریار؛ قاسمی اصل، نسرین، (۱۳۹۷ ه.ش)، الگوهای ارزیابی ترجمه، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منابع الکترونیکی:
- ابراهیمی، مهدی، گیدئون توری ماهیت و نقش هنجارها در ترجمه، همشهری آنلاین، ۱۳۹۰، ۰۶، ۳۰

<https://www.hamshahrionline.ir/news/>